

اینماد اجباری مانع کسب وکار اینترنتی

صفحه ۳



گفت‌وگو با حسن نجاریان تهیه‌کننده سریال تاریخی «جشن سربرون»

سربرون روی میز تدوین

صفحه ۸

گزارش «وطن امروز» از افزایش قیمت برخی داروها و اقدامات دولت برای کنترل بازار

دارو درمان می‌شود؟

■ معاون اول رئیس‌جمهور: حذف ارز ترجیحی دارو در دستور کار نیست ■ مدیرکل داروی سازمان غذا و دارو: ترجیح می‌دهیم ارز ترجیحی حذف شود!

صفحه ۴

تیتراهای امروز

افزایش محسوس قاچاق محموله‌های سلاح گرم
زنگ خطر را برای امنیت عمومی شهروندان
و توطئه‌های آشوب‌طلبان به صدا درآورد

بیدار باش امنیتی



صفحه ۲

سختگوی نیروهای مسلح بمن از آزادسازی
یکی از مناطق راهبردی این کشور خبر داد

پاکسازی الجوف از لوث سعودی‌ها

صفحه ۷

نگرانی کارشناس بهداشت از فوران «آمیکرون»

رعایت پروتکل‌ها به ۴۵ درصد رسید

صفحه ۴

باز تاب رزمایش سپاه در سرزمین‌های اشغالی
همچنان ادامه دارد

دشمن

پیام را گرفت

■ سختگوی سپاه هدف اصلی
هفدهمین رزمایش پیامبر اعظم (ص) را
بازدارندگی و امنیت در منطقه عنوان کرد

صفحه ۲

تاریخ

نبرد سرنوشت/۲

کربلای ۴ و ۵

۲ مرحله از یک عملیات

محمدعلی صمدی: تلاش‌ها برای طراحی و اجرای عملیات سرنوشت، اوایل بهار ۶۵ آغاز شد. نخستین ایده‌ای که از سوی فرماندهی سپاه مطرح شد، ساماندهی ۱۵۰۰ گردان پیاده و اجرای عملیات همزمان از ۳ جبهه غرب، میانی و جنوب بود. در حالی که در عملیات «الفجر ۸» تنها ۸۰ گردان پیاده سپاه وارد عمل شده بودند، پذیرش چنین توسعه سازمان رزم گسترده‌ای بعید به نظر می‌رسید. ضمن اینکه فرمانده جنگ (مرحوم رفسنجانی) اعتقاد داشت حتی تامین پوتین برای چنین تعدادی هم خارج از بنیه اقتصادی کشور است. اما یک نکته قطعی وجود داشت. برای وارد کردن ضربه تعیین‌کننده به دشمن، باید انتقالی بزرگ‌تر از آنچه در سال‌های قبل تجربه شده بود، روی می‌داد. در نهایت روی طرح ۵۰۰ گردان، میان فرمانده جنگ و فرماندهان سپاه توافق شد. یعنی یک‌سوم برآورد ابتدایی و طبیعی بود که در این صورت، تنها امکان عمل کردن در یکی از ۳ جبهه حمل‌آویز وجود داشت. بررسی زیادی برای اولویت‌بندی جبهه‌ها لازم نبود. به همان دلایلی که قبلاً ذکر شد، جبهه جنوب در اولویت قرار می‌گرفت. حفاظت از خطوط دشمن در مجاورت استراتژی خورستان (عمدتاً در حوزه استحفاظی استان بصره)، بر عهده ۳ یگان اصلی ارتش بعث قرار داشت: «سپاه چهارم»، «سپاه سوم» و «سپاه هفتم». طبق محاسبات اولیه، با ۵۰۰ گردان نیروی پیاده، حمله‌ای بزرگ از محور به استان بصره قابل اجرا به نظر می‌رسید؛ از شمال به جنوب در «هورالمظلم» علیه مواضع سپاه چهارم، از شرق به غرب در «شلمچه» علیه مواضع سپاه سوم و از جنوب به شمال در «فاوه» علیه مواضع سپاه هفتم. تخمین زده می‌شد ارتش عراق به طور همزمان، توان روبرویی با این هجوم وسیع را نتواند داشت و پیشروی قابل توجهی در عمق استان بصره اتفاق خواهد افتاد که محاصره کامل بصره و به احتمال قوی، سقوط این شهر را نیز به دنبال خواهد داشت.



تلاش‌ها برای جذب نیروی انسانی معادل ۱۸۰ هزار نفر آغاز شد اما در نهایت مشخص شد تنها امکانات لجستیک و هدایت ۲۶۰ گردان پیاده (معادل ۱۰۰ هزار نفر) وجود دارد. اینگونه بود که «طرح اعزام سپاه ۱۰۰ هزار نفری محمدصی» تصویب و تحقق آن در دستور کار قرار گرفت. با مشخص شدن این آمار، بار دیگر لازم بود طرح کلان عملیات سرنوشت از سوی نظامیان مورد بازبینی قرار گیرد. حلالاً عملاً جبهه‌های مورد نظر برای عملیات بزرگ، باید متناسب با نیروی تخصصی‌یافته، محدود می‌شد.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

نمائه اکوان: در روابط بین‌الملل به هر نوع ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم بین ۲ جبهه یا ۲ طرفی که درباره منافع‌شان و همچنین تضاد منفععی که با یکدیگر در یک موضوع دارند، با هم به گفت‌وگو نشسته و اقدام به تدوین برنامه‌ای مشترک برای حل مشکل یا بحران پیش‌آمده بین خود می‌کنند، «مذاکره» می‌گویند. مذاکرات برای این است که یا مشکلاتی که در حال حاضر وجود دارد را حل کنند یا زمینه ایجاد ارتباط در آینده بین ۲ طرف را فراهم کنند. با این حال بیشتر از اینکه مذاکره به معنای حل مشکلات فی‌مابین باشد، به معنای حل بحران به وجود آمده بین ۲ بازیگر در روابط بین‌الملل است.

در بحث‌های مرتبط با دیپلماسی، به انواع مذاکراتی که می‌تواند بین ۲ بازیگر بین‌المللی و در واقع ۲ نوع حکومت برقرار شود، اشاره شده است. در بررسی نوع مذاکره و نوع تقابل ۲ طرف، ۲ نوع مذاکره وجود دارد: مذاکره مستقیم و مذاکره غیرمستقیم. مذاکره مستقیم زمانی است که ۲ بازیگر بین‌المللی بعد از مذاکرات پنهانی که با یکدیگر داشته‌اند، موافقت می‌کنند بر سر یک میز نشسته و مشکلات خود را حل کرده یا به بحرانی که در روابط آنها به وجود آمده است، خاتمه دهند. در مذاکرات غیرمستقیم اما ۲ طرف هنوز رضایت کامل از نوع مواجهه طرف مقابل با بحران را به دست نیاورده‌اند و اختلافات به حدی زیاد است که یک میانجی باید مذاکرات را پیش ببرد.

هدف اصلی در استفاده از یک میانجی یا واسطه در مذاکره بین‌المللی باز کردن راه برای ارتباط بین ۲ طرف یک بحران است و بدین معنی است که طرف واسط می‌پذیرد شرایط را به گونه‌ای هدایت و مدیریت کند که هر ۲ طرف درگیر در بحران بخواهند به صحبت‌های طرف دیگر گوش داده و در عین حال فرصتی برای گفت‌وگو و بیان مسأله از دیدگاه خود داشته باشند. بنابراین نقش واسط در این نوع مذاکرات، ایجاد زمان و مکان مناسب برای رسیدن به توافق بین طرفین است. معمولاً در روابط بین‌الملل دست واسط یا میانجی برای ایجاد قوانین جهت رساندن ۲ طرف درگیر بحران به یک

محور اصلی در گفت‌وگوهای‌شان باز است و میانجی قوانینی را وضع می‌کند تا حرف ۲ طرف در این زمینه شنیده شده و به نوعی شرایط به صورت عادلانه‌ای مدیریت شود. بنابراین نقش واسط یا میانجی این است که به صورت واضح بیان کند هر ۲ طرف درگیر در ماجرا باید صحبت کرده و حرف‌های‌شان باید شنیده شود. در این میان نقش میانجی در عین حال کاستن از میزان تهدیدات و تلاش برای متقاعد کردن طرفین به انجام رفتارهای منطقی و عادلانه است. میانجی در عین حال می‌تواند خود از تهدیداتی در مقابل هر دو طرف درگیر در بحران نیز استفاده کند و آنها را وارد در نهایت بر سر یک میز نشسته و درباره مشکلات خود گفت‌وگو کنند. زمانی که به نقش واسط یا میانجی در مذاکرات اقتصادی یا مذاکرات بین‌سازمانی اشاره می‌شود، حتی به این نکته نیز اشاره می‌شود که میانجی باید در این باره غیر از تسلط داشتن بر نوع گفت‌وگوی طرفین، حواس خود را به ژست‌های آنها در داخل و خارج از جلسه نیز معطوف کرده و اجازه ندهد یک ژست، یک بیان احساس در صورت یا حتی یک تماس چشمی بتواند جلسه را از مسیر خود خارج کرده و باعث برتری دادن به یک طرف در مقابل طرف دیگر شود.

در آموزش‌های مرتبط با میانجی‌گری در مذاکرات غیرمستقیم به ۵ مسؤولیت اساسی برای بازیگر واسط اشاره شده است. نخستین مسأله چیدمان صحنه و مدیریت مذاکرات به نحوی است که نقش‌ها بخوبی مشخص شده، باعث ایجاد و توسعه اعتماد بین طرفین شده و در عین حال قوانین مرتبط با مذاکرات را نیز تعیین کند. در دومین وظیفه، به مسأله بیان مواضع طرفین اشاره شده است؛ از این جهت واسط یا میانجی وظیفه دارد شرایط را به نحوی مدیریت کند که هر کدام از طرفین بتوانند درباره منافع خود و مواضع‌شان درباره یک موضوع صحبت کنند. سومین وظیفه‌ها پیدا کردن زمینه‌های مشترک بین ۲ طرف جهت رسیدن به توافق نهایی است. در واقع واسط باید فضیات و اولویت‌های موجود را به نحوی مدیریت کند که ۲ طرف بتوانند زمینه مشترک لازم برای رسیدن به توافق را پیدا کرده و از مواضع سخت خود کوتاه بیایند. در مرحله چهارم

بازیگر واسط باید گزینه‌ها را به نحوی گسترش دهد که بتواند به زمینه مشترک برای رسیدن به توافق نزدیک شود. در این راه او باید فهرستی از گزینه‌ها را تهیه کرده و در اختیار طرفین قرار دهد و در مرحله آخر زمانی که هر ۲ طرف از طریق واسط یا میانجی بر یک یا چند گزینه به توافق رسیدند، میانجی باید گزینه نهایی را اعلام کرده و گزینه‌های قابل قبول را برای توافق نهایی به ۲ طرف برساند. در مذاکرات غیرمستقیم در نهایت وظیفه تدوین نهایی توافق بر عهده ۲ طرف درگیر در بحران بوده و واسط، نقش نظاره‌کننده و تأییدکننده نهایی را بر عهده دارد و اگر بخواهد نقش مدیریتی قوی اعمال کند، باید به هر ۲ طرف تضمین دهد توافق اجرایی خواهد شد و بحران یا مشکل بین ۲ طرف حل می‌شود.

نگاهی به اصول اولیه مذاکره در روابط بین‌الملل نشان می‌دهد مذاکرات موجود بین ایران و ایالات‌متحده که به صورت غیرمستقیم برگزار شده و اروپاییان نقش واسط در این میان را دارند، در بسیاری موارد حتی به استانداردهای اصلی یک مذاکره موفق با یک میانجی عادل نزدیک نشده است. اگر برخی کشورها یا بازیگران بین‌المللی مانند فواد حسین، وزیر خارجه عراق، هم‌اکنون از سر دلسوزی عنوان می‌کنند بهتر است ایران به جای مذاکره غیرمستقیم با آمریکا به مذاکره مستقیم با دولت بایدن ر و آورده، به این دلیل است که تروئیکای اروپا نتوانسته در مذاکرات فعلی نقش واسط را بخوبی ایفا کند و به عنوان یک میانجی بی‌طرف وارد میدان شود. در بسیاری از گزارش‌های تحلیلی‌گران غربی به این مسأله اشاره شده است که اگر کشورهای اروپایی تمایل و اراده کافی برای حفظ برجام را داشتند، می‌توانستند از طریق سازوکارهایی این توافق را در همان زمان که ترامپ از آن خارج شد، احیا کرده و آن را حفظ کنند. با این حال ۳ کشور اروپایی درگیر برجام بعد از خروج آمریکا از توافق سال ۲۰۱۵ ترجیح دادند راه ترامپ را پی گرفته و هیچ تضمینی برای اجرایی شدن این توافق به تهران ندهند. در مذاکرات فعلی نیز کشورهای اروپایی تاکنون نتوانسته‌اند نشان دهند میانجی خوبی برای مذاکره بین ۲ طرف درگیر در بحران یعنی تهران و واشنگتن هستند.

علت غیرمستقیم شدن مذاکرات فعلی تهران و واشنگتن، نه اعتماد به طرف اروپایی، بلکه احترام به برخی عرف‌های واسط بین‌الملل است که می‌گوید بی‌احترامی کشورها به توافقات و تعهدات بین‌المللی‌شان نباید بی‌اسخ بماند و در صورتی که یک کشور به تعهدات خود عمل نکرده، باید برای حضور دوباره در پای میز مذاکرات با طرف مقابل خود، ضمن ابراز ندامت و جبران ضررهای وارده، اقدامی ناشی از حسن‌نیت از خود نشان دهد.

دولت بایدن بدون توجه به اقدامات مخرب دولت ترامپ در مقابل توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، با ژستی طلبکارانه خواهان مذاکره با تهران شده است و ایران بر اساس همین عرف بین‌المللی، خواستار غیرمستقیم شدن مذاکرات بوده و در عین حال در انتظار مشاهده گامی به جلو در جهت نمایش حسن‌نیت آمریکا در این مذاکرات است. با این حال طرف اروپایی که به عنوان یک واسط باید اعتماد به مذاکره، روند آن و نتیجه‌بخش بودن آن را بین ۲ طرف بالا ببرد، تنها نمایندگی از آمریکا در جلسات مذاکره شرکت کند رو به بیابانه‌خوانی در جلسات آورده و تلاش دارد به پاسخ داده شود که دولت آمریکا و کشورهای اروپایی بطور می‌خواهند حسن‌نیت خود را در مذاکرات فعلی به نمایش بگذارند؟ در عین حال اگر قرار باشد اروپا، نه به عنوان واسط و میانجی، بلکه به عنوان نماینده آمریکا و پیرو او در مذاکرات حضور داشته باشد و به جای ایفای نقش مثبت به ادامه تخریب روند مذاکره بپردازد، چه دلیلی برای حضور اروپاییان در ادامه مذاکرات وجود دارد؟ نوع تأثیرگذاری کشورهای اروپایی بر مذاکرات فعلی نشان می‌دهد در صورتی که ایران حاضر باشد اجازه دهد نماینده ایالات‌متحده دوباره در اتاق مذاکرات حضور یابد، در واقع اجازه داده است یک نفر دیگر به تیم طرف مقابل در مذاکرات اضافه شود. اگر اتحادیه اروپایی می‌توانست بخوبی نقش واسط در مذاکرات را ایفا کرده و به سمت اعتمادسازی بین ۲ طرف ایرانی و

دست‌های خالی بایدن
در مقابل غنی‌سازی ۶۰ درصد ایران

عاجزانه‌های بایدن

دنیس راس، دیوید پترائوس و لئون پانه‌تا

مقامات ارشد دولت اوپاما در مقاله‌ای مشترک

اذعان کردند واشنگتن در مقابل پیشروی هسته‌ای ایران

به سمت غنی‌سازی ۶۰ درصد راهی جز ترساندن ایران

از طریق برگزاری مانورهای نظامی و تهدید به تخریب

برنامه هسته‌ای اش ندارد

صفحه ۵

چرا نباید با آمریکا به صورت مستقیم مذاکره کرد؟

آمریکایی برده، می‌توانستیم چنین پیش‌بینی‌ای داشته باشیم که مذاکرات در نهایت می‌تواند به مسیر خوبی منتهی شود و توافقی شکل گیرد که مورد وفاق و اجماع تمام طرفین قرار می‌گیرد، با این حال نگاهی به نقش مخرب اتحادیه اروپایی – که حتی گاهی مخالف با منافع این اتحادیه نیز هست – نشان می‌دهد نه تنها آمریکا به عرف بین‌الملل و تعهدات خود پایبند نیست و خواستار رسیدن به نتیجه نهایی مورد نظر خود با زور و فشار است، بلکه اتحادیه اروپایی نیز دقیقاً در همین راستا حرکت کرده و اصولاً با نحوه ایفای نقش در مذاکرات غیرمستقیم به دنبال برهم زدن این نوع مذاکرات بوده و سعی دارد به جای رساندن ۲ طرف درگیر در بحران به یک زمینه مشترک برای رسیدن به توافق، آنها را به سمت درگیری‌های بیشتر نیز سوق دهد. اما این بدین معنی است که ایران باید با واشنگتن به صورت مستقیم مذاکره کند و نقش اروپایی‌ها را نادیده بگیرد؟ نگاهی به تجربه مذاکره در غالب گفت‌وگوهای ۵۰۱ نشان می‌دهد نمی‌توان به اروپا به عنوان یک میانجی صادق اعتماد کرد و این اتحادیه نیز مانند آمریکا هر گاه بخواهد، مفاد مورد نظر خود در توافق را اجرایی کرده و هر گاه بخواهد، از زیر چپانی نگاه کرد. آمریکایی‌ها با وجود اینکه تلاش دارند به سمت مذاکره مستقیم با کشوری که به بیشترین میزان تهدیدها و تحریم‌ها را در طول چند سال گذشته علیه کشورمان اعمال کرده و حاضر به عذرخواهی در این باره نیز نیست، مهم‌ترین مسأله این است که آمریکا برای ورود دوباره به اتاق مذاکرات باید حسن‌نیت از خود نشان داده و در عین حال تضمین دهد بار دیگر چنین اتفاقی در عرصه روابط بین‌الملل نمی‌افتد و می‌توان به ایالات متحده به عنوان یک بازیگر قابل اعتماد در عرصه جهانی نگاه کرد. آمریکایی‌ها با وجود اینکه تلاش دارند از هر طریق ممکن این پیام را به ایران منتقل کنند که باید به صورت مستقیم با دولت بایدن مذاکره کرد، هنوز نتوانسته‌اند ثابت کنند در صورت مذاکره مستقیم، بازیگری قابل اعتماد در صحنه جهانی هستند.